

# آیکونوگرافی نماد عقاب و مار در آثار جیرفت

(هزاره سوم قبل از میلاد)

مهران ملک، \* بهار مختاریان\*\*

(تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۰۲؛ تاریخ تأیید: ۹۲/۰۶/۱۰)

## چکیده

برای درک معنایی تصاویر کهن، نیاز به شناخت مؤلفه‌های نمادینی است که زمانی چون زبان کلامی، معنایی مشخص در فرهنگ‌های کهن داشتند و به نوعی بازنمایی باورهای اسطوره‌ای بودند. در این باره، آیکونولوژی<sup>۱</sup> می‌کوشد با ارائه روشی علمی در تفسیر تصاویر، معنای این مؤلفه‌ها را روشن کند و بر اساس تحلیل و رده‌بندی آیکونوگرافیک آنها، به ارزش‌های نمادین فرهنگی دست یابد. مؤلفه‌های نمادین در نظام نمادین زبانی، خود را به شکل کلامی، تصویری و یا رفتاری باز می‌نمایند و هرچند آیکونولوژی پژوهشی درباره محتوای تصاویر است، اساساً در پی ارتباط این مؤلفه‌ها در نظام گسترده‌تر نمادین فرهنگی است.

این تحقیق بر آن است تا با روش آیکونولوژی به درک معنایی نقش نمادین عقاب و مار در دست‌ساخته‌های سنگ کلریتی جیرفت (هزاره سوم ق.م) بپردازد. در این باره، پیش از هر چیز نیاز به درک بافت فرهنگی این دوران و شیوه‌های بازنمود باورهای مربوط به آن است. به همین منظور از طریق آیکونوگرافی<sup>۲</sup> به باور مسلط ایزدبانوی بزرگ در این دوران و تأثیر و تأثر چنین باوری در نقش‌مایه‌های تصویری، بویژه نقش عقاب/ پرنده و مار، خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: آیکونوگرافی، آیکونولوژی، اسطوره، جادو، ایزدبانو، پرنده - مار.

## مقدمه

آیکونوگرافی و آیکونولوژی به روش‌های مطالعاتی در تاریخ هنر اطلاق می‌شوند که در پی تجزیه و تحلیل محتوای تصویر و دلالت معنایی آن است. به عبارتی، آیکونوگرافی شامل گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعاتی است که از یک اثر هنری حاصل می‌شود (Lash, 1996: 89) و در پی آن، آیکونولوژی که بر بنیان‌های حاصل از بررسی آیکونوگرافیک استوار است، بسیار جامع و فراگیر بوده و دنبال درک دنیای افکار و ارزش‌های فرهنگی آشکار در تصاویر است. (Altet, 2002: 24).

سابقه تاریخی این دو روش مطالعاتی را به فیلوسترآتوس<sup>۳</sup> در قرن سوم میلادی، سزار ریپا<sup>۴</sup> در قرن شانزدهم و ابی واربورگ<sup>۵</sup> در قرن نوزدهم نسبت می‌دهند که در سال ۱۹۳۲ با نظریات اروین پانوفسکی<sup>۶</sup> به روش علمی مدونی تبدیل شد (مختاریان الف، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

پژوهش‌های آیکونوگرافی در تاریخ هنر، ارجاعات نمادین بازنمایی‌های تصویری را بررسی می‌کند و می‌کوشد طریقه‌ای را که فرهنگ‌های گوناگون برای بیان تصویرهایشان به کار گرفته‌اند، شناسایی کند. زیرا تصویرها و نمادهای تصویری که به صورتی قاعده‌مند در هنر به کار می‌روند، همچون مفاهیم ادبی نهادینه شده‌اند. خوانش تصویرها در گرو شناسایی باورهای است که در

\*. دانشجوی دکتری، دانشگاه هنر اصفهان

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان

1. Iconology  
2. Iconography  
3. Philostratus  
4. Cesare Ripa  
5. Aby Warburg  
6. Ervin Panofsky

فرهنگ‌های کهن باعث ایجاد قراردادهایی برای انتقال مفاهیم شده‌اند. علاوه بر این، آیکونوگرافی در حوزه پژوهش‌های اسطوره‌شناختی رابطه‌ای میان واژه و تصویر با توجه به باورهای اسطوره‌ای مشخص می‌کند. در این باره، منابع ادبی کهن (داستان‌ها، حکایات و تمثیل‌ها) که در رابطه با نقوش قرار می‌گیرند، اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یابند (مختاریان ب، ۱۳۹۰: ۱). در اینجا با توجه به توضیح فوق درباره آیکونوگرافی سعی شده به یکی از نقوش به دست آمده از یافته‌های جیرفت پرداخته شود.

## یافته‌های جیرفت

در اواخر سال ۱۳۷۹، شماری از ساکنان حوزه هلیل و به طور اخص جیرفت، در منطقه جنوب شرقی ایران واقع در استان کرمان، به حفاریات غیرقانونی در گورستان‌های متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد (اواخر دوره نوسنگی<sup>۷</sup>، آستانه ورود به دوران مفرغ<sup>۸</sup>) پرداختند. اطلاعات ما در محدوده اشیای بازیافتی و اندک آثار یافت شده در حفاریات باستان‌شناسی حاکی از آن است که این اشیاء شامل دست‌ساخته‌هایی از سفال، فلز، سنگ، کتیبه‌های گلی و تعدادی ساخته‌های معماری است و بین آنها، آثار سنگ کلوریتی<sup>۹</sup> شاخص از نظر تعداد و کیفیت نقوش، وجود دارند که دارای نقوشی چون انسان، حیوان، موجودات ترکیبی، گیاهان و... هستند (مجیدزاده، ۳۳: ۱۳۸۷).

## نقش‌مایه مورد تحقیق

از جمله نقوش جانوری در آثار جیرفت می‌توان به تصویر شماره ۱ اشاره کرد. در این تصویر اسطوره‌ای، نقش نمادین عقاب، در حالی که دو مار یا دو زوج مار تنیده به هم را در دو سوی خود به چنگال گرفته است، مشاهده می‌شود. این صحنه به طور مکرر در آثار سنگ کلریت جیرفت مشاهده شده است. علاوه بر این، در دیگر تمدن‌های باستانی نیز شاهد این تصویر نمادین هستیم. بررسی علت انتخاب نماد مار و پرنده در جیرفت باستان و دلالت معنایی آنها سئوالی است که جویای پاسخ به آن هستیم. در این راستا به علت تعلق این نقوش نمادین به دنیای کهن و به دلیل کمبود شواهد مکتوب، نمادشناسی تطبیقی اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یابد. به عبارتی، چنان‌که گذشت، در تحلیل آیکونوگرافیک با استفاده از دانش منابع ادبی و مفاهیم و مضامین مرتبط و نیز کنکاش در گونه‌های تاریخی و نمادین مشابه و مرتبط، به ریشه‌یابی، مطابقت و رده‌بندی موضوع مورد بحث پرداخته می‌شود. بر این اساس، بنا به کمبود و فقدان منابع ادبی در ایران و محدوده جیرفت در هزاره سوم پیش از میلاد و نیز عدم توانایی در رمزگشایی کتیبه‌های به دست آمده از جیرفت، نمادشناسی تطبیقی، منبع اصلی و بسیار مهم جمع‌آوری اطلاعات است که علاوه بر بررسی نماد به ریشه‌یابی تاریخی آن می‌پردازد.

از سوی دیگر، نمادشناسی تطبیقی در نقش‌مایه‌های مورد تحقیق، با هدف جمع‌آوری اطلاعات بیشتر و کافی، از لحاظ بعد مکانی، محدود به منطقه ایران نمی‌شود و به علت ارتباطات گسترده تجاری، فرهنگی، سیاسی جیرفت با تمدن‌های همجوار از جمله بین‌النهرین، هند و ... در هزاره چهارم و سوم پیش از میلاد (رفیع‌فر، ۱۳۸۶: ۴۶)، ناگزیر به پژوهش در نمادهای مشابه و مرتبط در این تمدن‌ها بوده و نیز در سیر زنجیره‌وار ارتباطات، مکلف به تحقیق در تمدن‌های مرتبط با این نواحی هستیم.

<sup>۷</sup> Neolithic: در حدود زمانی ۶۰۰۰ - ۳۰۰۰ ق. م که بشر با اختراع کشاورزی، گامی در جهت شکل‌گیری تمدن برداشت و آثار هنری زیادی به جای گذاشت.

<sup>۸</sup> Bronze Age: در حدود زمانی ۳۰۰۰ - ۱۶۰۰ ق. م، که بشر با استفاده از مس و برنز ابزار می‌ساخت. این دوره پیش از دوره آهن است.

<sup>۹</sup> Colorite: مواد تشکیل‌دهنده آن هیدرات سیلیکات منیزیم به علاوه آهن است (Magnesium Silicate Hydrate plus Iron). دو اصطلاح سنگ نرم و سنگ صابونی نیز برای این سنگ به کار می‌رود، اما این دو اسم، دو واژه توصیفی این سنگ بوده و نام علمی این نوع سنگ محسوب نمی‌شوند. سنگ‌های کلریت دارای درجه سختی ۲/۵ تا ۳ هستند و با ناخن خراشیده می‌شوند. واژه توصیفی سنگ صابون به خاطر حس لمس چرم‌گونه بعضی از این سنگ‌ها به دلیل دارا بودن تالک است (مجیدزاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۱).

علاوه بر این، در راستای آیکونوگرافی برای کمک به یافتن مفهوم تصویر، نیاز به بازسازی بافت فرهنگی (دین، معیشت و ...) ایران و تمدن‌های مرتبط، در هزاره سوم ق.م. داریم. این مسئله راهنمای مناسبی در روند نمادشناسی تطبیقی نیز به شمار می‌رود. این دوره زمانی، مصادف است با اواخر دوره نوسنگی و سپیده‌دم دوران مفرغ؛ زمانی که باور مسلط در فرهنگ جوامع، از جمله ایران و منطقه مورد پژوهش ما، جیرفت، بنا به شواهد بسیار، ایزدبانوان بزرگ<sup>۱۰</sup> هستند که به عنوان کهن‌الگو<sup>۱۱</sup> مطرح شده و ریشه در دوران دیرینه‌سنگی<sup>۱۲</sup> دارند. لذا برای یافتن شواهد نمادین پرنده و مار، ریشه‌یابی تاریخی و باورهای مرتبط با آن، به پژوهش در نقوش ایزدبانوان در دوران دیرینه‌سنگی و نوسنگی پرداخته‌ایم.

---

<sup>۱۰</sup>. Great goddess

<sup>۱۱</sup>. Archetyp

<sup>۱۲</sup>. (Paleolithic): در حدود زمانی ۳۲۰۰۰ - ۸۰۰۰ ق.م. در این دوره بشر کرومانیون با استفاده از سنگ، علاوه بر ابزارهای خام سنگی، آثار هنری می‌آفریند.

## ایزدبانوی بزرگ

(دیرینه‌سنگی - نوسنگی)

در این مقوله، محققان بسیاری، از جمله باستان‌شناسان، پژوهشگران ادیان باستانی و اساطیر و ... به پژوهش پرداخته‌اند. آنچه در ذیل خواهد آمد، بر راستای روند منطقی تحقیق و ارتباط مباحث با یکدیگر است. بارینگ<sup>۱۳</sup> و کشفورد<sup>۱۴</sup>، متخصصان باستان‌شناسی، معتقدند بر اساس شواهد تاریخی، بشر باستان در حدود زمانی ۲۰۰۰۰ سال ق.م، در مسیر رودخانه‌ها و درون غارها مسکن گزید و آثاری از خود بر جای گذاشت؛ از جمله آنها نقش‌های زنانه است که بر دیواره غارها، استخوان‌ها و ابزارها حکاکی شده و یا به شکل تندیس‌های کوچک ساخته شده‌اند. این نقش‌های برهنه، بر اساس امر رازآمیز زایش، اغلب باردار بوده و بر اندام‌های زایشی آنها تاکید فراوانی شده است. نمونه این نقوش در بسیاری از مناطق دنیا بر اساس تاکید بر اهمیت زنان بوده است. همه این آثار، نمایشی از زایش بوده و این موارد نشانه اهمیت مذهبی این نقش‌ها در قالب ایزدبانوان هستند (Baring & Cashford, 1993: 6).

در دوران دیرینه‌سنگی، نقش‌هایی از ایزدبانوان را در قالب تندیس‌های کوچک می‌توان دید؛ از جمله ونوس ویلندروف<sup>۱۵</sup> (۱۵۰۰۰-۱۰۰۰۰ ق.م. اتریش) که با ساده‌سازی اجزا و تاکید بر اندام‌های زایشی، فرمی از مادر بزرگ اولیه را داراست. علاوه بر این، در این دوره شاهد ایزدبانوانی هستیم که با نمادهای جانوران همراه هستند؛ از جمله تصاویر ایزدبانوانی که قدمت آن به ۲۲۰۰۰ - ۱۸۰۰۰ ق.م می‌رسد و متعلق به دوردونی<sup>۱۶</sup> فرانسه است، تصویر ونوس لوسل<sup>۱۷</sup> است (تصویر شماره ۲) که یک شاخ گاو نر را در دست گرفته که سمبل قدرت فیزیکی، باروری و ازدیاد نسل است و در اعتقاد سرزمین‌هایی چون اسکاندیناوی، ایران، یونان، فلسطین و سلت هم قابل مشاهده است (Sandars, 1968: 12).

محققان بر این اعتقادند که در این نقش، ایزدبانو با دست چپ به رحم متورم شده‌اش اشاره دارد و با دست دیگر، شاخ گاوی چون هلال ماه که گویی جایگاهی آسمانی دارد، در دست گرفته و با سر نیز به آن اشاره دارد که تاکیدی بر ارتباط میان زن، ایزدبانو، باروری، هلال ماه و شاخ بوده و ارتباطی بین زهدان زمینی و ماه آسمانی است. اما لازم به ذکر است که پرستش ایزدبانوان، موضوعی نیست که در زمان و جایگاهی مشخص، تقدس یافته باشد، بلکه متعلق به همه زمان‌ها به صورت‌های گوناگون و نیز همه جاست؛ گویی جوهره اساسی از شخصیت انسانی است. نام ایزدبانوی بزرگ یا به طور ساده ایزدبانو، تصور مقدسی از مفاهیم زندگی‌بخش، تغذیه‌کننده و باززایی قدرت‌های جهانی است (Baring & Cashford, 1993: 6-8).

علاوه بر این، میرچا الیاده<sup>۱۸</sup>، اسطوره‌شناس و دین‌پژوه، معتقد است در هزاره هفتم قبل از میلاد و شروع نوسنگی، با اختراع کشاورزی توسط زنان و اهلی کردن حیوانات وحشی، بشر گامی جهت تسلط بر محیط خویش برداشت و بدین‌سان، اهمیت زنان بسیار شاخص‌تر شد. در دوران نوسنگی، ایزدبانوی بزرگ بر خلاف دوران دیرینه‌سنگی که ایزدبانوی بزرگ بر همه امور و پدیده‌ها مسلط بود، به صورت ایزدبانوان مختلف برای امور گوناگون که شخصیتی نمایان‌تر داشتند و به طور مستقیم در معاش روزانه مردم دخیل بودند، تبدیل شدند و با پدیده‌هایی که به چشم بشر مؤث جلوه می‌کردند، ارتباط یافتند؛ پدیده‌هایی مثل زمین، کوه، باران،

13. Baring  
14. Cashford  
15. Willendorf  
16. Dordogne  
17. Laussel  
18. Mircea Eliade

ماه، درخت، مار، ظرف‌ها و صندوقچه‌ها و... که با هم ارتباط زنجیره‌وار داشتند و از طرفی با ارتباط سمبولیک ماه، آب، باران و بارگیری زنان و رویش گیاهان نیز مرتبط هستند (الیاده، ۱۹۸۵: ۱۶۲ و ۱۶۳).

برخی محققان مطرح کرده‌اند در این دوره، قدرت و جنبه حمایتی ایزدبانو به طور واضح متفاوت و به سطوح مختلفی تقسیم می‌شود. بارینگ و کشفورد بر این عقیده‌اند که در این دوره، قدرت و حمایت ایزدبانوی مادر در سه ناحیه تقسیم می‌شود: آسمان یا بالای آب‌ها، زمین و آب‌های زیرزمینی، که در ید قدرت ایزدبانو-پرنده و ایزدبانو-مار است (Baring&Cashford, 1993: 13) و در ادامه مقاله با جزئیات بیشتری به آن پرداخته خواهد شد.

بدین‌سان بشر ابتدایی، ایزدبانوان را موکلانی آسمانی می‌پنداشت که با مدد از امور جوی و در دستگیری زمان و بافتن تقدیر و سرنوشت، به کیهان مفهوم می‌دادند و با نام‌هایی چون ایزدبانوی زمین، مادر، باروری، عشق، حاصلخیزی، سرسبزی، جاودانگی، مرگ و جنگ و... همراه شدند و در بسیاری از آثار هنری نقش یافتند. در نقوش باستانی، ایزدبانوان همراه با نمادهای گوناگونی مشاهده می‌شوند. بعضی از این نمادها نقش نگهبانی و حفاظت داشته و گاه نشانه‌ای از او بوده و حتی جانشین او می‌شدند؛ از جمله آنها می‌توان به نمادهای جانوری همچون شیر، پلنگ، مار، ماهی، بز، گاو، قوچ، پرندگان و... اشاره کرد، و نیز به رستنی‌هایی همچون درخت زندگی، گل لوتوس و... و اشیایی همچون خمره، ستون و... از جمله ایزدبانوان می‌توان به بعله<sup>۱۹</sup> و آستارته<sup>۲۰</sup> در سوریه، فلسطین و لبنان، سیبل<sup>۲۱</sup>، هپات<sup>۲۲</sup> و اینارا<sup>۲۳</sup> در فلات آناتولی، هاتور<sup>۲۴</sup>، ایزیس<sup>۲۵</sup> و نوت<sup>۲۶</sup> در مصر، شیوا<sup>۲۷</sup>، سرسوتی<sup>۲۸</sup>، لکشمی<sup>۲۹</sup> و پارواتی<sup>۳۰</sup> در هند و دمتر<sup>۳۱</sup> و آفرودیت<sup>۳۲</sup> در یونان، پینی کیر<sup>۳۳</sup> در تمدن عیلام و در زمان متأخرتر آنهایتا<sup>۳۴</sup> و اشی<sup>۳۵</sup> در ایران اشاره کرد (Monaghan, 2004).

همان‌گونه که گفته شد، ایزدبانوان هم به صورت همراه با نمادهای جانوری (همنشینی) و هم به شکل آنها (جانشینی) مشاهده شده‌اند. استفاده از نقوش جانوری یا جانورنگاری در بسیاری از تمدن‌های باستانی، از جمله ایران، مشاهده شده است. کاسیرر<sup>۳۶</sup>، فیلسوف و مورخ فلسفه، بر این اعتقاد است که در سیر پرستش بشر ابتدایی، شاهد آن هستیم که بشر در مرحله‌ای جانوران را می‌پرستید و مقدس می‌شمرد؛ مانند پرستش انواع چیزهایی که در محیطش با آنها روبه‌رو می‌شد. وی از آنها به عنوان خدایان لحظه‌ای یاد می‌کند. به مرور، این نوع پرستش به سوی خدایان کارکردی، بر اساس کارکرد و منافعی که در زندگی، سوق می‌یابد (کاسیرر، ۱۹۲۵: ۷۵-۷۶). پس جانوران بر اساس منافع بسیارشان در ارتباط با تغذیه، پوشش، ابزار و... و از سویی ترس از

---

19. Bala  
20. Astarte  
21. Cybele  
22. Hapat  
23. Inara  
24. Hathor  
25. Isis  
26. Nut  
27. Shiva  
28. Saraswati  
29. Lakshmi  
30. Parvati  
31. Demetre  
32. Aphrodite  
33. Pinikir  
34. Anahita  
35. Ashi  
36. Ernst Cassirer

درنده‌خویی یا صفات مرگبار آنها، پرستش شده و مقدس شمرده می‌شدند و فرمی جادویی و به عبارتی قدرت‌های الهی یافتند، اما به مرور زمان بشر با درک بیشتر از خویش، خود را در قالب جانوران و سپس جانشین آنها می‌کند.

بدین‌سان در تاریخ هنر با ایزدان و ایزدبانوانی با شکل‌های حیوان، انسان - حیوان و انسان مواجه می‌شویم. از سوی دیگر، در سطور پیشین به جادوی حیوانات اشاره شد. در این ارتباط فریزر<sup>۳۷</sup>، متخصص انسان‌شناسی که بر مبنای اسطوره‌شناسی تحقیقات گسترده‌ای انجام داده است، جادو را به دو نوع تقسیم می‌کند: نوع اول جادوی مسری (قانون تماس) و نوع دوم جادوی هومیوپاتیک (قانون شباهت) است. بشر نخستین با استفاده از جادوی دوم، با تصویرگری حیوانات، برای جادو و شکار آنها و ازدیاد نسلشان و از سویی برای استفاده از قدرت‌های الهی آنها، با تصویرگری آنها به شکل حیوان و انسان - حیوان و... در دست‌ساخته‌های بشر باستان دیده می‌شود (فریزر، ۱۸۹۰: ۱۲۰). مانند نقوش ایزدبانوان که به همراه و یا به شکل‌های حیوانی و یا دارای اعضای از آنها مشاهده می‌شوند.

در این ارتباط جیم بوتاس<sup>۳۸</sup>، پروفیسور باستان‌شناسی، در پژوهش‌های خود دست به طبقه‌بندی نقش‌مایه‌های مرتبط به ایزدبانو، از جمله نقوش جانوری، در فرهنگ‌های کهن اروپایی زده که بخشی از یافته‌های آنها متعلق به ۶۰۰۰ سال ق.م. است. علاوه بر او، پژوهشگران دیگری<sup>۳۹</sup> نیز این حوزه مطالعاتی را در فرهنگ‌های دیگر پی گرفته‌اند و همه به این نتیجه رسیده‌اند که باورهای مرتبط به ایزدبانوی بزرگ یا مادر نزد اکثر فرهنگ‌های دوران باستان بسیار رایج بوده و در قالب آثار هنری، مشاهده می‌شود. در این بین، نقش مار و پرنده به عنوان نقش‌مایه‌های مرتبط با ایزدبانو بسیار شاخص است.

جیم بوتاس معتقد است که ایزدبانو به دو شکل اصلی ایزدبانو - پرنده و ایزدبانو - مار ظاهر می‌شود. ایزدبانو - پرنده و ایزدبانو - مار که بانوی آب‌ها نیز نامیده می‌شوند، در هر جایی وجود دارند؛ روی زمین، در آسمان‌ها، آن سوی ابرها و هر جایی که آب‌های ازلی وجود دارند. خانه آنها میان آب‌های آسمانی است؛ آنها نیروی تولد زندگی آب‌ها هستند (آب، نطفه هستی است) و تصویر آنها به طور مکرر با ظروف آب همراه می‌شود. ایزدبانو - پرنده و ایزدبانو - مار با وجود عملکرد متفاوت، بسیار مرتبط و به هم نزدیک هستند و گاه یگانه فرض می‌شوند (Gimbutas, 1989: 112).

البته در این ارتباط، بارینگ و کشفورد معتقدند آب‌های آسمانی در حیطه ایزدبانو - پرنده و آب‌های زیرزمینی در حیطه ایزدبانو - مار است و نقوش این ایزدبانوان در تمدن‌های بسیاری قابل مشاهده است (Baring & Cashford, 1993: 13).

### ایزدبانو - پرنده و نمادهایش

ایزدبانو - پرنده به شکل‌های گوناگونی ظاهر می‌شود؛ گاه به شکل یک پرنده با منقار بزرگ و یا بینی بزرگ همراه با گردن بلند، و سینه‌های زنانه که گاه اغراق‌آمیز است، مشاهده می‌شود و گاهی با بال یا زائده‌های بال‌مانند، پای پرنده‌مانند، مثلث زهاری، باسن برجسته مانند اردک. ایزدبانو-پرنده در مقام باروری، طبیعت دوگانه دارد. از سویی زندگی می‌بخشد و حس خوب و شور زندگی و غذا برای بقا عطا می‌کند و از سوی دیگر، به عنوان نماد مرگ در شکل لاشخور، جغد یا دیگر پرندگان شکاری یا پرنده‌هایی که از مردار تغذیه می‌کنند، ظاهر می‌شود؛ البته در این موارد نیز با تجدید حیات روبه‌رو هستیم. مار و قوچ از موجوداتی هستند که به ایزدبانو - پرنده نزدیکند و همراه با آن مشاهده می‌شوند (Gimbutas, 1991: 230). در مجموعه تصاویر گروه ۳، نقش‌هایی از

<sup>37</sup>. Jamse George Frazer

<sup>38</sup>. Marija Gimbutas

<sup>39</sup>. پژوهشگرانی نظیر بارینگ، کشفورد، کارل اولسون، گلان و غیره.

ایزدبانو - پرنده به همراه نمادهایش که پیش‌تر گفته شد (نمادهای باروری، نمادهای جانوری، گل لوتوس، بال و پای پرنده‌مانند و ...) در آثار ایران قابل مشاهده است. همان‌گونه که گفته شد، نقوش ایزدبانوان، از جمله ایزدبانو - پرنده، در تمدن‌های بسیاری وجود داشته‌اند. بدین‌سان در مجموعه تصاویر گروه ۴، نقش‌هایی از ایزدبانو - پرنده و نمادهایش، در تمدن‌های مرتبط و باستانی قابل مشاهده است.

### ایزدبانو - مار

همان‌گونه که گفته شد، ایزدبانو - مار نیز دارای خصوصیات و صفاتی مانند ایزدبانو - پرنده بوده و حتی گاه یگانه فرض شده و از دوران پیش از تاریخ در آثار هنری نقش یافته است. ایزدبانو - مار، گاه دارای اعضایی از مار بوده؛ از جمله سر، و یا دست و پای چون مار داشته و یا به صورت کامل به شکل مار مشاهده می‌شده است (Gimbutas, 1989, p.112). همان‌گونه که پیش‌تر آمد، مار از ایزدبانو هرگز دور نیست. این نزدیکی در حدی است که حتی ایزدبانو به شکل مار نیز دیده می‌شود<sup>۴۰</sup>. در مجموعه تصاویر گروه ۵، نقش ایزدبانو - مار با نمادهایی از مار مشاهده می‌شود. در این قسمت، بنا به هدف تحقیق به ریشه‌یابی نقش مار و پرنده و ارتباط آن با ایزدبانو می‌پردازیم.

### نماد مار و پرنده

الیاده در ارتباط با نماد مار آورده است: مار، این جانور خزننده از ادوار پیش از تاریخ به طور گسترده‌ای مورد پرستش بوده و نمادی با مفاهیم گسترده و متنوع به شمار می‌رفته است. رمزگونه بودن مارها و مفهوم دوسویه آنها منجر شده انسان درک و تشخیص متناقضی از مار داشته باشد و از یک سو آن را شیطان و بدخواه و باعث مرگ و از سوی سودمند و حتی تا مرز خدایی، بزرگ و والا به شمار آورد (Eliade, 1987: v.13 & 370). جان ناس، پژوهشگر دین، معتقد است در میان جانوران، پرستش مار، خواه به صورت افعی پیچان و خواه به صورت اژدهایی بالدار، به صدها نوع و شکل مختلف نزد غالب اقوام عمومیت دارد (جان ناس، ۱۹۸۰: ۲۱).

مار به عنوان نمادی از آب مطرح است. مار - آب (یا باران) نشانه‌ای از دو واقعیت هستند. افسانه‌ها و اساطیر بی‌شمار از مارهایی حکایت می‌کنند که ابرها را در حیطه ضبط و اختیار خود دارند و جهان را سیراب می‌کنند. به عبارتی، اژدها (مار) در ابرها و دریاچه‌ها خانه دارد و موکل صاعقه است، آب‌های آسمانی را به سوی زمین سرازیر می‌کند و موجب باروری، کشت و بارگیری زنان می‌شود. مارها، نگهدارنده چشمه‌های آب حیات، بی‌مرگی، قداست و نیز واجد نشانه‌ها و علائم مربوط به زندگی، باروری، قهرمانی، بی‌مرگی و گنجینه‌ها به شمار می‌روند (الیاده، ۱۹۸۵: ۱۷۳، ۲۰۴ و ۲۰۷).

علاوه بر این، گولان که درباره نمادها تحقیق کرده، می‌افزاید نقش‌مایه مار نشانه‌ای از نماد آب است و هر دو به وسیله خطوط موجی شکل به تصویر کشیده می‌شوند. علاوه بر این، دو مار در هم تنیده نیز نشانه‌ای از آب و باروری است. این نقوش در هزاره سوم و دوم ق.م در تمدن‌هایی چون ایران، بین‌النهرین، ترکمنستان، روسیه و ... قابل مشاهده است (Golan, 1991: 205&206).

<sup>۴۰</sup> این بخش صرفاً جهت آشنایی بیشتر با ایزدبانو آمده، بحث اصلی در این پژوهش، بررسی ارتباط ایزدبانو - پرنده و مار است



همان‌طور که گفته شد، خمره یا کوزه و ظرف، از نمادهای ایزدبانو است. از سویی در دوران باستان با ظروف آب یا مایعاتی مواجه‌ایم که مزین به نماد مار هستند. مارها دور ظرف می‌پیچند - به عبارتی، دور ایزدبانو - در حالی که در امتداد کوزه‌ها پیچ و تاب می‌خورند، مانند آب بارانی که از بالا فرو می‌ریزد و آب‌های زمینی جاری به هم می‌رسند. در واقع مارپیچ‌ها، زیگزاگ‌ها و نظایر آن، جنبه‌های مختلف نیروی ایزدبانو را به نمایش می‌گذارند. با ترکیب این عوامل با هم، نخستین الفبای متافیزیک شکل می‌گیرد که به واسطه آن مجموعه‌ای از معانی منتقل می‌شوند. (Baring & Cashford, 1993: 52 & 53).

بر این اساس، نماد مار از جمله نمونه‌های بسیار خوب برای ستایش زندگی است؛ سمبلی مهم و قوی که نشانه نیروی زندگی است. قداست مار بنا به فرم خاص جسمش نیست، بلکه به دلیل انرژی واضحی است که این آفریده موجی‌شکل از خود به جهان اطرافش متصاعد کرده و انتقال می‌دهد (Gimbutas, 1998: 121). مار در هر فرهنگی از ایزدبانو دور نیست، نزدیک و همراه اوست، از دستان او تغذیه می‌کند و به دور درخت او پیچیده است، یا حتی به عنوان تیامات<sup>۴۱</sup> و شکلی از خود ایزدبانوست. به عبارتی، مار از آفرینش جدا نیست، زمانی که ایزدبانو به شکل زن تجسم می‌یابد، خدای مارگون یا خدامار به شکل مار تجسم می‌یابد و هرگونه ارتباط یا اتحاد ماوراءالطبیعه معناداری ممکن است بین آنها به وجود آید (Baring & Cashford, 1993: 499). اما نماد پرنده با مفاهیمی چون آسمان، نور، روح، امید، پیام‌رسان، ریزاننده باران و ... همراه می‌شود و عقاب بر اساس سرعت، توانایی در صعود و خشم، با خدایان مختلف دیده می‌شود. نقش مقدس عقاب در بسیاری از مذاهب، در مسیر قدرت‌های زندگی‌بخش و محافظت و حمایت از زندگی است و همراهی با خدایانی که مظهر قدرت‌های طبیعت هستند (Eliade/4, 1987: 533).

همان‌گونه که دیدیم، مار از جانوران مرتبط با ایزدبانو - پرنده است. از سویی در باور بسیاری از فرهنگ‌های کهن، پرنده و مار، هم بسیار نزدیک به یکدیگر و هم نشانگر جدایی آسمان و زمین هستند؛ به عبارتی، دو قطب متضاد هستند. پرنده، آسمان و نور و جایگاه بغان را می‌نماید و مار، آب و زمین و ظلمت و نیروهای زیرزمینی را. البته باید خاطر نشان کرد که چون در بسیاری از نمادهای جانوری معانی چندگانه و ارزش‌های دوسویه نهفته است، در برخی از نمونه‌ها، مار جنبه مثبت از خود نشان می‌دهد (Lurker, 1983: 21).

گولان نیز در این ارتباط گفته است که مارها، نماد زمین و پرندگان، نماد آسمان هستند. این شکل‌ها ایده اصلی دین کشاورزان اولیه را بازنمایی می‌کنند؛ به عبارتی، پیوند میان ایزدبانوی آسمان و خدای زمین را. به مرور زمان مار که به‌خصوص در دوران نوسنگی مورد ستایش جوامع کشاورزی بود، خدای دشمن را نمایندگی کرد و در نگرش‌های نوسنگی متأخرتر، پرنده که نماد ایزدبانوی آسمانی بود، در ارتباط با خورشید که به مقام ایزدی رسیده بود، قرار گرفت. برای مثال، ققنوس<sup>۴۲</sup>، پرنده افسانه‌ای نامیرا در دوران باستان کلاسیک، تصویری تمثیلی از خورشید است و نیز نماد خورشید در ریگ ودا به شمار می‌آید. پرنده در هیروگلیف مصری، اغلب برابر با اجرام آسمانی است. به نظر می‌رسد در دوران نوسنگی در شرق، پرنده با خورشید مرتبط بوده است (Golan, 1991: 99). علاوه بر این، کوپر معتقد است عقاب و مار در کنار هم، نمایانگر تمامیت وحدت کیهانی و وحدت روح و ماده هستند (کوپر، ۱۹۷۸: ۲۲۲).

<sup>۴۱</sup>. (Tiamat) اژدها. ماری در اساطیر بین‌النهرین که هستی از اجزای بدن او شکل می‌گیرد.

<sup>۴۲</sup>. در یک متن اهرامی از مصر، خدای نخستین با نام آتوم - خپر (Atum-Chepre) از ژرفای آب نخستین به سان ققنوس بیرون می‌آید و هوای خشک و هوای مرطوب را به بیرون می‌اندازد. جالب اینجاست که مصریان، ماری را نیز به عنوان خدای خالق می‌شناسند.

## نماد مار در ایران

مار از نقش مایه‌های باستانی ایران است که مانند بسیاری از تمدن‌های وابسته به کشاورزی که پدیده‌های جوی در آن اهمیت بسزایی دارند، نشانه‌ای از آب، رود، جویبار، باروری و حاصلخیزی و در عین حال جانوری خطرناک و کشنده است (Golan, 2003: 175). بدین‌سان نماد مار به عنوان نمادی از نیروی آب، باران و باروری در دست‌ساخته‌های ایران دیده می‌شود (تصاویر گروه ۶).

## نماد مار و ایزدبانوی بزرگ در ایران

همان‌گونه که گفته شد، نماد مار از ایزدبانوان هرگز دور نیست. در ایران، مانند بسیاری از تمدن‌های باستانی، نقش نمادین مار در کنار ایزدان و ایزدبانوان کاملاً مشهود است. در مجموعه تصاویر گروه ۷، نقش ایزدبانوان در کنار مارها در آثار ایران قابل مشاهده است.

## نماد مار در تمدن‌های باستانی

نماد مار در بسیاری از تمدن‌های باستانی مانند ایران، گویای آب، باروری، حاصلخیزی و ... است. در مجموعه تصاویر گروه ۸، نقوش مار در تمدن‌های باستانی ارائه شده‌اند.

## نماد مار و ایزدبانوی بزرگ در تمدن‌های باستانی

ایزدبانوان بزرگ در اکثر تمدن‌ها به همراه نماد مار تصویر شده‌اند و چنان‌که ذکر شد، این مسئله، نمودی از همسویی آنها در مسیر بارورسازی، حاصلخیزی و ... است. نقوش مربوط به ایزدبانو و مار در تصاویر گروه ۹ ارائه شده‌اند. مقوله دیگری که در ارتباط با ایزدبانوان به آن اشاره شده، نقش‌های سه‌تایی مقدس است که به طور مکرر در نقش‌مایه‌های جیرفت از جمله در تصویر شماره ۱ دیده می‌شود و گویای مفهوم ایزدبانوان است.

## ایزدبانوی بزرگ و ترکیب‌های سه‌تایی مقدس

یکی از ارائه‌های نمادین ایزدبانوی بزرگ، به صورت ترکیب‌های سه‌تایی است که شامل یک عنصر در وسط (عنصر زن) و دو عنصر مشابه به صورت قرینه در دو طرف عنصر مرکزی است<sup>۴۳</sup> که در آسیا و اروپا، گسترش فراوانی داشته است. این عنصر میانی، گاه به صورت تشخیص‌یافته زن، گاه به شکل درخت یا ستون و نیز به شکل کوزه، پرنده و ایزدبانو-پرنده دیده می‌شود. این ترکیب سه‌تایی به طور مکرر به وسیله جانوران و حیوانات تمثیلی که ایزدبانو را دربرگرفته‌اند، مشاهده می‌شود؛ ایزدبانو معمولاً نشانه‌ای آسمانی دارد و گاه بالدار تصویر شده، یا می‌تواند به صورت یک پرنده که نشانه‌ای از ایزدبانوست، نقش شود. در ارتباط با دلیل این نقش‌پردازی، نظرهای متفاوتی وجود دارد؛ از جمله آنکه موتیوهای قرینه در دو سوی ایزدبانو نقش حفاظت و نگهبانی، نمایش قدرت، نقش همسر یا پسر او را بازی می‌کنند. علاوه بر این، ایزدبانوان نقش آسمانی و خورشیدی داشته و پیام‌رسان بهار به زمین هستند و نقش عوامل جوی را هم بازی می‌کنند (Golan, 2003: 379 & 384).

<sup>۴۳</sup>. از آنجا که این دو عنصر در مواردی به عنوان دو مرد محافظ در نظر گرفته می‌شوند، دو عنصر نرینه نیز نامیده می‌شوند.

اما الیاده نیز نظریه‌ای بر دلیل این نوع نقش‌پردازی دارد. او اعتقاد دارد همه ترکیبات و پیوندهای اساطیری و شمایل‌نگاری‌ها را نمی‌توان حمل بر تصادف و اتفاق کرد. مجموعه‌های ایزدبانو - درخت با علائم کیهانی و جانوران تمثیلی که در میان گرفته‌اند، دلالت بر این معنا دارند که آن جایگاه، مرکز جهان است و سرچشمه خلقت، یعنی مبنای غایی واقعیت و بیانگر این دریافت شهودی بدوی به زبان اساطیری است که قداست و زندگانی و بی‌مرگی در مرکز جای دارند (الیاده، ۱۹۸۵: ۲۷۵).

بدین‌سان بهترین نمایش این مرکزیت خلقت، قرار گرفتن در میان دو عنصر قرینه است. این عناصر قرینه می‌توانند نمادهای جانوری و نمادین ایزدبانو، از جمله مار باشند. نمونه‌هایی از ترکیب‌های سه‌تایی در مجموعه تصاویر گروه ۱۰ دیده می‌شوند. در این مجموعه نقوش مار، عنصر پرنده و درخت زندگی به عنوان نماد ایزدبانو و نقوش محافظان نیز مشاهده می‌شوند.

### داستان، حکایت یا تمثیل‌های مرتبط با تحقیق

با توجه به آنچه پیش‌تر گفته شد، برای درک معنایی نقوش جیرفت، نیاز به تطبیق نقش‌مایه‌های مشابه در فرهنگ‌های هم‌زمان و هم‌جوار است تا بر اساس اطلاعات نوشتاری موجود از آن دوران بتوان محتوای معنایی محتمل این نقوش را به دست آورد. از این میان، الواح سومریان به دلیل زمان و مکان مرتبط با جیرفت اهمیت ویژه‌ای می‌یابند. این الواح در کنار منابع تصویری، اطلاعات نوشتاری مهم و متقنی برای درک چنین تصاویری در اختیار قرار می‌دهند. در این حکایات اساطیری، ارتباط ایزدبانو، عقاب/پرنده و مار شکل‌های گوناگونی داشته و در نهایت با مسئله باروری، حاصلخیزی، بی‌مرگی و... مرتبط است و به صورت مقوله‌های متفاوت بیان می‌شوند. از جمله در اساطیر ذیل شاهد ارتباط عقاب، مار، ایزدبانو، باروری، باران، آب و بی‌مرگی هستیم. در یکی از الواح سومر آمده که اتانا<sup>۴۴</sup>، پادشاه کیش باستان<sup>۴۵</sup>، صاحب بچه نمی‌شود و به سفارش شمش<sup>۴۶</sup>، خدای خورشید، به نزد عقابی می‌رود که ماری او را در بند کرده است. عقاب پس از رهایی، او را برای یافتن گیاه باروری - که از نشانه‌های ایزدبانو است - به آسمان می‌برد. (Foster, 1945: tablet1-4).

در اسطوره دیگری از بین‌النهرین باستان، در داستان ایم دوگاد، با ایزدبانو به شکل عقاب با سر شیر مواجه می‌شویم که بال‌هایش را پس از خشکسالی می‌گستراند و آسمان را با ابرهای باران‌ساز می‌پوشاند. این اسطوره در اعتقادات سومر، آشور و بابل مشاهده می‌شود (کریمر، ۱۸۹۷: ۱۷۲). در اسطوره گیلگمش<sup>۴۷</sup> که متعلق به ۲۷۰۰ ق.م. است، شاهد آن هستیم که او برای یافتن بی‌مرگی، به گیاه جاودانگی (نشانه ایزدبانو) در اعماق آب‌ها دست می‌یابد که به واسطه تقدیر، توسط ماری ربوده شده و مار زندگی جاودانه می‌یابد... (همان، ۱۶۵). در نمونه نخست پس از جدال میان عقاب و مار که در ظاهر در راستای پژوهش حاضر نیست و ارتباط خصمانه‌ای بین آنها وجود دارد، در نهایت، و در ادامه حکایت، عقاب با گیاه باروری که نشانه ایزدبانوست مرتبط شده و ارتباط ایزدبانو، عقاب و باروری، تجسم می‌یابد. در حکایت دوم، ایزدبانو در شکل عقاب، به بارش باران و در نهایت حاصلخیزی می‌انجامد و در مورد آخر، ارتباط گیاه بی‌مرگی به عنوان نشانه ایزدبانو با آب و مار نمایان می‌شود.

در این باره در دیگر تمدن مجاور، یعنی دره سند، نیز با ارتباط نمادین ایزدبانو، مار، آب، آفرینش و ... در گونه‌های متفاوت مواجه هستیم. از جمله در اساطیر آفرینش هند مارهای نمادینی مشاهده می‌شوند که با آفرینش در ارتباط هستند. مثلاً آمده است

44. Etana

<sup>۴۵</sup>. از شهرهای باستانی سومر در بین‌النهرین.

<sup>46</sup>. shamash

<sup>47</sup>. Gilgamesh

خدایان و دیوان، مار واسوکی<sup>۴۸</sup> را رسن ساخته و به دور کوهی که در دریا جای داشت، بستند و از دو طرف توسط دو گروه خدایان و دیوان کشیده شد و به گونه‌ای که خامه از شیر جدا می‌شود، دریا متلاطم شد و چیزهای ذی‌قیمت از آن بیرون آمد؛ از جمله آب حیات یا امریت<sup>۴۹</sup>، لکشمی (ایزدبانوی اقبال و زیبایی و همسر ویشنو)<sup>۵۰</sup>، ماه و موارد مشابه. (-Mahabharata, 1.18.48 & Bhagavata Purana, 8.7).

در اسطوره دیگری از هند، ویشنو را به عنصر آب که قبل از خلقت این جهان در همه جا ساری و جاری بوده است، منسوب داشته‌اند؛ او را به شکل مردی که روی ماری نشسته و خواب‌آلوده است، مجسم ساخته‌اند... که در نهایت به آفرینش نیز می‌انجامد<sup>۵۱</sup> (ریگ ودا<sup>۵۲</sup>، ۱۳۶۷: ۹۵). در نمونه نخست از اساطیر آفرینش هند، ارتباط آفرینش، مار، آب، آب حیات، ماه، ایزدبانو و ... و در شاهد دوم نیز ارتباط مار، آب، آفرینش و الوهیت، نمایان است.

علاوه بر این، در اساطیر هند، بعضی از خدایان، ایزدبانوان و خدایانی که حالتی دو جنسی دارند، به شکل پرنده خطاب شده‌اند و با نمادهایی چون صاعقه، باران، آفرینش (مادر) و زایش ارتباط می‌یابند؛ از جمله در سروده‌های ریگ ودا، در ماندالای دوم، سرود ۴۲، ایندرا<sup>۵۳</sup>، خدای جو، با سلاح صاعقه و به صورت پرنده تجسم شده است (ریگ ودا، ۱۳۶۷: ۷۵) و یا سویتری<sup>۵۴</sup> خدای آفتاب پیش از طلوع، زاینده و ... که در صیغه مؤنث، به عنوان خدای کائنات و مادر خطاب شده است و نیز به نام سوپرنه<sup>۵۵</sup> در مفهوم اشعه حیات بخش آفتاب، زیبابال و به نام پرندگان چون عقاب، کرکس، لاشخور و پرنده اساطیری چون گارودا<sup>۵۶</sup> که چونان عقابی بزرگ امریت یا آب حیات را به ایندرا می‌رساند، توصیف شده است (همان، ۱۲۳-۱۲۴). در تاکید ارتباط پرندگان با آب و باران، در ماندالای اول، سرود ۱۶۴، نیز آمده که پرندگان (دانه‌های باران یا اشعه خورشید) که آرام پرواز می‌کنند، آب‌ها را با ابرهای تیره پوشانده‌اند و به سوی آسمان بالا می‌روند و از منزلگاه باران فرود می‌آیند و بسرعت زمین را خیس می‌کنند (همان، ۲۵۵).

در مقوله‌ای دیگر با شکلی متفاوت، در نمونه‌هایی از اساطیر هند، با نماد مار به عنوان فرزند یا مرد مرتبط با ایزدبانو (پرنده)، مواجه می‌شویم؛ در تصاویری متعلق به پیش از آریایی‌ها، با نقش‌های سه‌تایی از یک پرنده و دو مار در دو سویش مواجه‌ایم که بنا به یک اسطوره هندی، مارها، پسرهای یک ایزدبانوی آسمانی به شکل یک پرنده و خدایی مارگون (خدای ستاره شمالی که پیش‌تر از این زمینی شده بود) هستند. در این حکایت، ارتباط مار و پرنده (ایزدبانو)، آسمان و زمین، ازدواج و زایش آشکار است؛ به عبارتی، این حکایت ازدواج ایزدبانوی آسمان (پرنده) و زمین را بیان می‌کند.

جدا از اساطیر دو تمدن هند و بین‌النهرین، اساطیر بسیاری در تمدن‌های گوناگون، نشانه‌هایی از ارتباط مؤلفه‌های ذکر شده دارند که تنها به یکی از آنها بسنده می‌کنیم. از جمله در اسطوره آفرینش تمدن یونان باستان، ارتباط ایزدبانو، پرنده، مار، آب و

<sup>48</sup>. Vasuki

<sup>49</sup>. Amrita

<sup>50</sup>. Vishnu: خدای نگهدارنده.

<sup>51</sup>. تاریخ این مستندات مکتوب هند به زمانی بازمی‌گردد که قوم هند و اروپایی، که قوم مردسالاری بود، بر این منطقه و نواحی بسیاری حکمفرما شده بود و ایزدبانوان تبدیل به مرد شده و یا موقعیت آنها رنگ باخته بود.

<sup>52</sup>. Rig veda: قدیمی‌ترین مستندات مکتوب هند، احتمالاً در ۱۲۰۰ ق.م.

53. Indra

54. Savitri

55. Su-parna

56. Garuda

آفرینش به روشنی آشکار است. اورینوم<sup>۵۷</sup>، ایزدبانویی است که با مار بزرگ آب‌ها، اوفیون<sup>۵۸</sup>، ازدواج کرده و سپس به شکل یک پرنده زیبا، بزرگ‌ترین تخم کیهانی را به دنیا می‌آورد. اوفیون به دور این تخم حلقه زده تا زمانی که بر اثر شکستن تخم، موجودات عالم به دنیا می‌آیند (بایرلین، ۱۳۸۶: ۶۳).

گذشته از اساطیر باستان، در باورهای امروز اقوام گوناگون نیز با چنین تفکراتی مواجه می‌شویم. برای مثال، در سرزمین هند علاوه بر اینکه ماران از دوران باستان، بخشنده باروری در سطح جهان پنداشته می‌شدند، در هند جدید، انبوهی از باورها و معتقدات بر خصلت نیکوکاری و باردارکنندگی مارها تاکید می‌ورزند. در ایالت میسور، باروری و حمل گرفتن زنان را از پیکره سنگی مار طلب می‌کنند (Dobois, 1899: 648).

تا این قسمت جست‌وجویی داشتیم در ارتباط با ایزدبانو، مار و پرنده در ادبیات مکتوب تمدن‌های بین‌النهرین و دره سند که با ایران باستان، ارتباطات فرهنگی داشته‌اند و در امتداد آن، مختصری از تمدن‌های کهن دیگر، در ارتباط با این موضوع بیان شد. علاوه بر این، همان‌گونه که گفته شد، در محدوده ایران، ادبیات مکتوب در محدوده زمانی این تحقیق (۳۰۰۰ ق.م.) وجود نداشته و یا مانند کتیبه‌های جیرفت قابل رمزگشایی نیستند، اما در راستای این پژوهش، شاهدی مکتوب و بسیار مهم در ارتباط با ایزدبانو و مار موجود است؛ یک نمونه از آثار سنگی جیرفت (تصویر شماره ۱۱)، منقوش به تصویر پلنگ و مار، در معبد اینانا در نیپور<sup>۵۹</sup> در شمال سومر، واقع در عراق امروز، یافت شده که به زبان میخی سومری روی آن، نام اینانا و افعی حک شده است (پیتمن، ۱۳۸۴: ۴۵)، در این تصویر که نمونه‌های مشابه بسیاری از آن در جیرفت یافت شده، نماد پلنگ در نقش ایزدبانو اینانا در جدال با مار تصویر شده است.

پلنگ از نمادهای بسیار شاخص ایزدبانو است که گاه به عنوان محافظ، همراه و یا نشانه قدرت ایزدبانو بوده و گاه خود جانشین ایزدبانو شده و نقش ایزدبانو را بازی می‌کند (Hodder, 2006: 259-261). از جمله نقش‌های ایزدبانو و پلنگ در ایران می‌توان از تصویر شماره ۳-۳ نام برد. بدین‌سان این نوشته کهن نیز شاهدی متقن، در ارتباط ایزدبانو و مار در نقوش جیرفت است. علاوه بر این در فولکلور<sup>۶۰</sup> ایران، از جمله در جیرفت، با مواردی مشابه با آنچه در ادبیات مکتوب هند و بین‌النهرین گذشت، مواجه می‌شویم.<sup>۶۱</sup> بر اساس اطلاعات مردم‌شناسی، مار در محدوده جنوب شرق ایران، از جمله جیرفت، اهمیت فراوانی دارد تا آنجا که نام تعدادی از روستاهای جیرفت با مار مرتبط است؛ از جمله مارسیاه، مارگون و ... (رضاپور، ۱۳۹۱)<sup>۶۲</sup>. میرشکرایی نیز در این باره می‌گوید، در بشاگرد<sup>۶۳</sup> که به نسبت مناطق اطراف آن کمتر دستخوش تحولات فرهنگی شده، آبادی‌هایی به نام‌های «بُن مارک، بُن کِرم و کُتِ کِرم» وجود دارد. به نظر می‌رسد واژه کرم به معنای مار است؛ از سویی، کُت و بُن به مفهوم خانه است و واژه‌های گفته شده دلالت بر مفهوم خانه مار داشته و نامگذاری آنها بر این روستاها، نشانه اهمیت مار در این ناحیه است. او می‌افزاید در بسیاری از مناطق جنوب شرق ایران، مردم به مارهایی که در خانه آنها زندگی می‌کنند، آزاری نمی‌رسانند و آنها را

<sup>57</sup>. Eurynome

<sup>58</sup>. Ophion

<sup>59</sup>. Nipur

<sup>60</sup>. Folklore

<sup>۶۱</sup>. در آیکونوگرافی از ادبیات مکتوب و نیز شفاهی (که سینه به سینه نقل شده و نشانه‌های آن در فرهنگ امروز نیز مشاهده می‌شود) برای مرتبط کردن تصاویر با مضمون‌ها، از جمله داستان و حکایت و تمثیل، استفاده می‌شود.

<sup>۶۲</sup>. مصاحبه با فاطمه رضاپور، مسئول مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کرمان (۹۱/۲۷) و (۹۱/۹/۱۰).

<sup>۶۳</sup>. از شهرستان‌های استان کرمان، نزدیک به جیرفت.

برکت خانه می‌دانند؛ از طرفی مردم استان کرمان، قصه‌هایی دارند که همه تاکید بر اهمیت مار دارد و نشانه برکت این نماد است (میرشکرایی، ۱۳۸۷: ۴۰۱-۴۰۲). در این باره رضاپور هم می‌افزاید، در جیرفت و محدوده جنوب شرقی ایران، به مار احترام می‌گذارند و مار خانگی را همسایه خویش می‌دانند. علاوه بر این، مار سفید در این منطقه، نشانه گنج است. اما باوری بسیار مهم در ارتباط با پژوهش حاضر در این ناحیه وجود دارد و آن اینکه مردم بر این اعتقادند که مار به زن باردار احترام می‌گذارد و در مقابلش با سری افراشته می‌ایستد و این خود گویای ارتباط مار، زن و بارداری در باور امروز آنهاست (رضاپور، ۱۳۹۱).

علاوه بر این، به نظر می‌رسد در میان آثار صنایع دستی امروز نیز نقوشی از مار، از دوران کهن در منطقه جنوب شرق ایران به جای مانده است. در گلیم‌هایی در سیرجان و بردسیر در استان کرمان، نقشی به نام مازنجیل<sup>۶۴</sup> وجود دارد که آن را در روستاهای قهستان سیرجان، «مازنجیل»<sup>۶۵</sup> می‌گویند. به نظر میرشکرایی، نام اصلی این نقش باید همان مازنجیل یا مازنجیر باشد که بنا بر قانون تحول آوایی (کم‌گوشی)، تلفظ «ر» از آن حذف شده است. ضمن آنکه نقش‌های مازنجیل با مار همانندی بسیار دارد.<sup>۶۶</sup> به هر تقدیر، این نقش و یا نام آن به عنوان مازنجیل، گویای اهمیت نماد مار در منطقه جنوب شرق ایران است.

---

<sup>64</sup>. Mazanjil

<sup>65</sup>. Mar zanjil

<sup>66</sup>. مرتضی فرهادی در مقاله خود این نقش‌های مار مانند را شاخ قوچ آورده است (فرهادی، ۱۳۷۹: ۲۵).

## نقش ایزدبانوی بزرگ در آثار جیرفت و حاصل کلام

امر قدسی را صرفاً نباید در تجربه‌های مخصوص به مواجهه با خداوند جست‌وجو کرد؛ جلوه امر قدسی به وفور تقریباً در نمادپردازی‌ها و شعائر هر فرهنگی، بخصوص فرهنگ‌های ابتدایی و آسیایی، نهفته و نمایان است. از سویی این معنای قدسی بودن، اغلب به درختان، سنگ‌ها، کوه‌ها و ... که به نظر می‌رسد قدرت اسرارآمیزی در آن خانه دارد، نسبت داده می‌شود. بشر کهن برای تسلط بر این نیروهای اسرارآمیز، دست به جادو می‌زد که نمونه مثالی آن، استفاده از هنرهای گوناگون در امور جادویی - دینی است (الیاده، ۱۳۸۹: ۶۳-۶۵).

در این باره، یکی از جلوه‌های امر قدسی، ایزدبانوست و همان‌گونه که گذشت، در بخش بزرگی از تاریخ زندگی بشر، باوری مسلط در فرهنگ‌های بی‌شماری بوده است؛ از جمله در منطقه جیرفت در ایران باستان. انسان جیرفتی مانند تمام انسان‌ها در آرزوی آب، حاصلخیزی، باروری و ... بوده است؛ آن هم در سرزمین کم‌آبی چون ایران. بنابراین او هم از جادوی نمادین تصویر به وسیله حکاکی روی ظروف سنگ کلریت استفاده کرده است. نقش کوه‌ها و رودخانه‌های جاری بین آنها، نقش چارپایانی در مرغزار و ... که تصویر آرزوهای او و جاودانه ساختن آنهاست.

علاوه بر این، در نقش‌های جیرفت مجموعه‌ای از نقش‌های نمادین ایزدبانوان مشاهده می‌شوند و همان‌گونه که گذشت، آنها نیروی تولد زندگی آب‌ها هستند. این نقش‌ها عبارتند از: ایزدبانوانی در فرم انسانی، در جدال با مارها و گربه‌سانان، ایزدبانوانی به شکل ترکیبی انسان و حیوان، ایزدبانویی در کوزه نقوش به نشانه‌های موجی شکل آب، در میان مارها و ... (که در بحث‌های پیشین به مواردی از آنها اشاره شد، اما هر کدام از آنها نیاز به پژوهشی مجزا دارد). نمونه‌های از این نقوش در مجموعه تصاویر گروه ۱۳ دیده می‌شوند.

از سویی، شواهد دیگری در نقوش آثار جیرفت، حکایت از ایزدبانوان و نمادهای او در این منطقه باستانی دارد؛ از جمله نقش مکرر درخت زندگی و محافظان آن، که چنانکه گذشت، نمادی از ایزدبانوست. علاوه بر این، نقش گاو نر و بز نر و قوچ که نمادی از ایزدبانو و نمادی از باروری است، به طور مکرر در نقوش آثار جیرفت مشاهده می‌شوند. در این بین، نقوش نمادین گاو نر بسیار شاخص بوده و در حالات گوناگون در آثار جیرفت نقش گشته است. مقوله دیگری که در ارتباط با ایزدبانوان به آن اشاره شده، نقش‌های سه‌تایی مقدس<sup>۶۷</sup> است که به طور مکرر در نقش‌های جیرفت (تصویر شماره ۱۰)، دیده می‌شود و گویای مفهوم ایزدبانوان است.

همان‌گونه که گذشت، ایزدبانو در قالب ایزدبانو - پرنده (بانوی آب‌ها)، یا دارای اجزایی از پرنده است و یا خود به شکل پرنده است و در تمدن‌های کهن بسیاری که شامل ایران و تمدن جیرفت نیز می‌شود، قابل مشاهده است. از سویی، ارتباط بسیار نزدیک ایزدبانوان و به عبارتی، ایزدبانو - پرنده با مار، کاملاً آشکار است و در شکل پرنده‌گانی چون عقاب و کرکس در جدال با مارها به طور مکرر در آثار جیرفت نقش شده است. علاوه بر این، همچنان که گذشت، مار دارای مفاهیم گوناگونی از جمله زمین، آب، باران، رود، صاعقه، نقش نرینه و ... است. پرنده نیز دارای مفاهیم نمادین آسمان، ریزاننده باران و ... است. بدین‌سان این دو نماد نیز در مفاهیمی از باران، همانند هستند و در مفاهیمی چون زمین و آسمان، مکمل یکدیگرند.

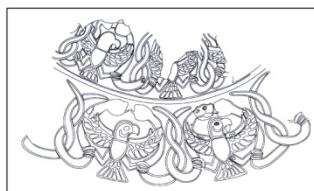
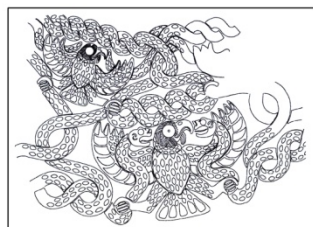
67. Sacred triad

از سوی دیگر، ارتباط ایزدبانوان با آب، یعنی منشأ هستی، کاملاً مشهود است. به عبارتی، آنها عوامل جوی (صاعقه، باران و ...) را به مساعدت می‌گیرند و در زمان‌های خاص با فرو فرستادن آب، زندگی را رقم می‌زنند و باعث باروری و حاصلخیزی می‌شوند.

در نگاه دیگر، مار از موجودات وابسته به ایزدبانو - پرنده است؛ هر دو نماد مسلم آب، باروری و حاصلخیزی هستند. مارها چونان چشمه‌های آب آسمانی، یا صاعقه‌های باران‌زا هستند و ایزدبانو در شکل پرنده، آب‌های آسمانی (مارها) را به زمین فرو می‌فرستد تا باعث باروری انسان، حیوان و گیاه شود. بدین‌سان می‌توان احتمال داد نقش مار و پرنده (عقاب) در آثار جیرفت، گویای محوریت و قدرت ایزدبانو در آفرینش آب، باروری و حاصلخیزی است. علاوه بر این تعبیرات گوناگون، از جمله آسمان و زمین به عنوان پرنده و مار و اتحاد و ازدواج این دو ضد و رسیدن به وحدت، همانا آفرینش، ریزش باران، حاصلخیزی و باروری است.

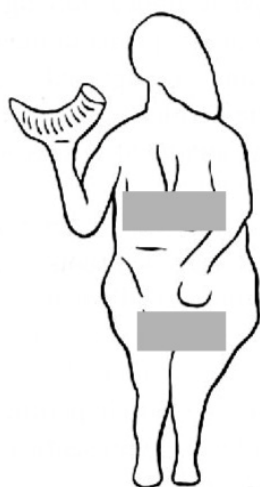
بدین‌سان در آیکونوگرافی نقش مار و پرنده/عقاب در آثار جیرفت باستان، بر اساس وجود باور مسلط ایزدبانوی بزرگ در هزاره سوم ق. م. در بسیاری از تمدن‌های وابسته به کشاورزی، از جمله ایران و جیرفت، همچنین تجسم غالب ایزدبانو در شکل کلی پرنده و یا موجودی که دارای اجزایی از پرنده است، و نیز ارتباط بسیار نزدیک ایزدبانو و به عبارتی ایزدبانو - پرنده با مار، همچنین به علت وجود ترکیب‌های سه‌تایی مقدس و ارائه ایزدبانو به عنوان مرکزیت خلقت در تاریخ هنر باستان و داستان‌ها و حکایات‌های اساطیری در تمدن‌های باستانی مرتبط، در کنار شواهد مردم‌شناختی درباره جیرفت پیرامون اهمیت مار و ارتباط آن با باروری و ...، از همه مهم‌تر شاهد بسیار مهم و متقن وجود ظرف کلریتی منقوش به پلنگ (ایزدبانو) و مار در معبد اینانا، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که نقش پرنده/عقاب، در این نقش اسطوره‌ای نماد ایزدبانو بوده که در کنار نماد همسو، همراه و حتی نگاهبانش یعنی مار، نعمت‌های آب، باروری، حاصلخیزی، بی‌مرگی، سرسبزی، نشاط و ... را بر این سرزمین فرو می‌ریزند.

#### تصاویر

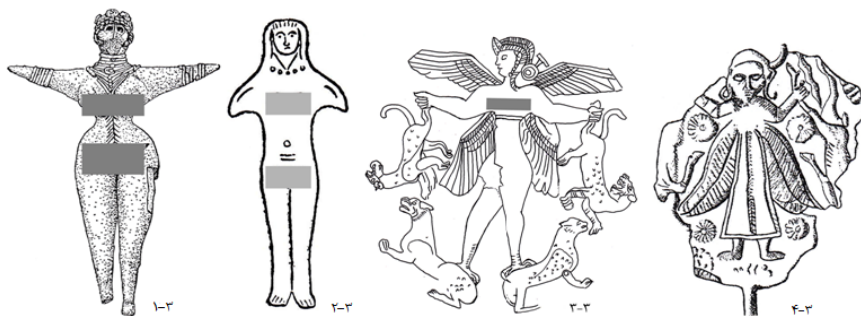


تصاویر گروه (۱): (مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۹۴ و ۹۷)





تصویر ۲: (Golan, 2003: 398)



### تصاویر گروه (۳)

(۱-۳): ایزدبانو با دست‌های بال‌مانند و نمادهای باروری: از تورنگ‌تپه، هزاره سوم ق.م. (Porada, 1965: 4)

(۲-۳): موضوع تصویر پیشین: از شوش، متعلق به هزاره دوم ق.م. (Pope, 1969: 208).

(۳-۳): ایزدبانو با بال‌ها و پاهای پرنده‌مانند و آرایش مو به شکل منقار پرندگان که پلنگ‌ها (سمبول ایزدبانوان) را در اختیار گرفته است، از لرستان، متعلق به هزاره دوم ق.م. (Amiet, 1977: 105).

(۴-۳): ایزدبانو با بال‌های پرنده، کلاه شاخدار و گل‌های لوتوس (سمبل آب و باروری)، از لرستان متعلق به هزاره دوم ق.م. (گدار، ۱۹۶۵، تصویر ۴۸).



۱-۴



۲-۴



۳-۴



۴-۴



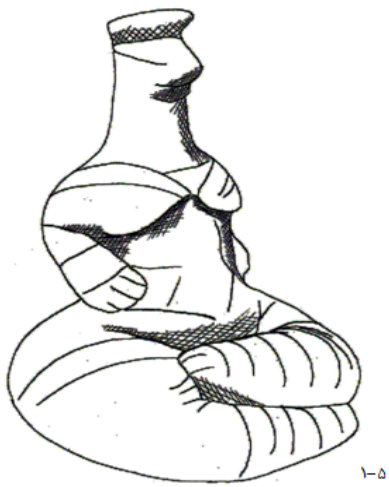
۵-۴



۶-۴

#### تصاویر گروه (۴)

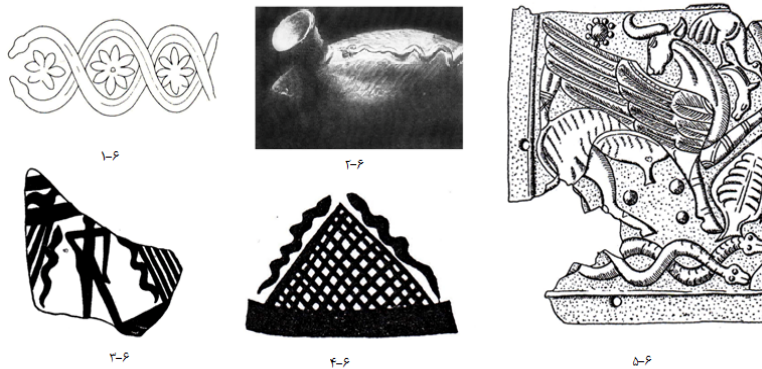
- (۱-۴): ایزدبانو با بال و سر پرندهمانند و نماد انسان و مار از سومر، هزاره چهارم ق.م. (Parrot, 1961: 303).
- (۲-۴): ایزدبانو با بال و پای پرنده، همراه با جغد و شیر (نماد ایزدبانو) از سومر، هزاره دوم ق.م. (ibid, 300).
- (۳-۴): ایزدبانو با دستهای بال مانند از مصر، متعلق به هزاره چهارم ق.م. (Panke, 1951, fig 2).
- (۴-۴): ایزدبانو با دستهای بال مانند و نمادهای ماهی، آب، سواستیکا، پرنده، سر گاو نر و سگ یا گرگهای محافظ (نمادهای ایزدبانو)، از یونان، متعلق به هزاره اول ق.م. (Ghirshman, 1963, fig 410).
- (۵-۴): ایزدبانو با بال پرنده، ایستاده روی گل لوتوس (نماد ایزدبانو) از هند، متعلق به دوران باستان (Coomaraswamy, 2003, fig 16).
- (۶-۴): ایزدبانو با سر پرندهمانند و گردن دراز از اروپای شرقی، تمدن Sesklo، متعلق به هزاره ششم ق.م. (Gimbutas, 1982, p.41).



#### تصویر گروه ۵

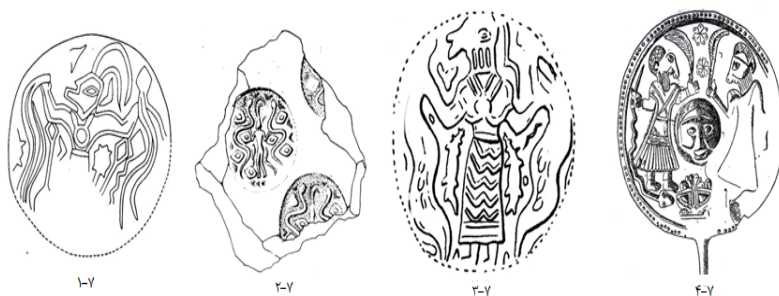
(۱-۵): تندیس ایزدبانو - مار، دارای دست، پا و سری مارشکل از کرت، متعلق به دوره نوسنگی، هزاره ششم ق.م. (Gimbutas, 1991: 237).

(۲-۵): تندیس ایزدبانوی مادر با سری از مار، از بین‌النهرین، هزاره چهارم و سوم ق.م. (Mason & sarianidi, 1972: 90).



### تصاویر گروه ۶

- (۱-۶): نقش دو مار تنیده به هم و گل لوتوس که نمادی از باران و باروری هستند. از شوش متعلق به ۳۳۰۰ ق.م. (Abrams, 1992: 55).
- (۲-۶): نماد مار شاخدار به نشانه آب، روی ظرف آب از البرز، متعلق ۲۲۰۰-۲۴۰۰ ق.م. (گدار، ۱۹۶۵: ۱۸).
- (۳-۶): نقش مار به نشانه باران در کنار انسان از شوش، متعلق به هزاره سوم ق.م. (Herzfeld, 1941: 61).
- (۴-۶): نماد مار به نشانه رود از شوش، هزاره سوم ق.م. (Pope, 1969: v.2, 841).
- (۵-۶): قطعه‌ای از اثر، نشانه‌هایی از ایزدبانو (گاو، نر، پرنده، برگ نخل و لوتوس) در کنار درخت زندگی همراه با دو مار به هم تنیده، نمادی از آب و باروری از کوه‌دشت، هزاره دوم ق.م. (Godard, 1962, fig.47).



### تصاویر گروه ۷

- (۱-۷): نماد مار و آب در دستان ایزدبانو، از شوش، متعلق به هزاره چهارم ق.م. (Abrams, 1992: 45).
- (۲-۷): نقش ایزدبانو و مار، از شوش، هزاره چهارم ق.م. (Abrams, 1992: 47).
- (۳-۷): ایزدبانو، ملبس به لباسی با نقش زیگزاگ آب و همراه با مار، از شوش، ۳۸۰۰ ق.م. (آمی، ۱۹۸۶: ۲۶).
- (۴-۷): ایزدبانو و کاهن همراه با نماد مار به عنوان نمادی از باروری، از لرستان، هزاره دوم ق.م. (Godard, 1962: fig. 56).



#### تصاویر گروه ۸

- (۱-۸): مار نمادی از آب و حاصلخیزی از بین‌النهرین، هزاره سوم ق.م. (Parrot, 1960: 140)
- (۲-۸): مار نمادی از آب، آسیای مرکزی، هزاره ششم ق.م. (Golan, 2003, fig.208).
- (۳-۸): دو مار درهم تنیده، نشانه‌ای از آب و باروری از هند، پیش از تاریخ (Ibid).
- (۴-۸): نقش دو مار تنیده به هم و گل لوتوس نشانه‌ای از آب، باروری و حاصلخیزی از مصر، هزاره چهارم ق.م. (Ibid).
- (۵-۸): ظرف آیینی مشبک، همراه با نقش مار به عنوان نمادی از آب و باروری، اروپای شرقی، تسالی، ۵۲۰۰ ق.م. (Gimbutas, 1982: 75).
- (۶-۸): نقش مار روی ظرف آب از اروپای شرقی، تریپولی، متعلق به دوره نوسنگی (Golan, 2003, fig.185).



۱-۹



۲-۹



۳-۹



۴-۹



۵-۹



۶-۹

#### تصاویر گروه ۹

- (۱-۹): ایزدبانو و نماد مار به نشانه باروری از ترکمنستان، نمازگا، دوره نوسنگی (Shashi, 1976: IVa).  
 (۲-۹): ایزدبانو همراه با نماد شیر در نقش محافظ و مارهای بارانزا و بارورکننده، از سوریه، متعلق به دوره نوسنگی (Pritchrd, 1975: fig.61).  
 (۳-۹): ایزدبانوی مادر و مار به نشانه باروری از اور، متعلق به هزاره چهارم ق.م. (Parrot, 1960: 55).  
 (۴-۹): ایزدبانو، (ناگا) ملکه مارها (کنترل کننده باران، بارورکننده خاک و پاسدار قلمرو زیرین)، هند، هزاره اول ق.م. (Coomaraswamy, 2003: fig. 207).  
 (۵-۹): ایزدبانو با نشانه‌های باروری، همراه با مارها یا صاعقه‌های بارانزا، از بین‌النهرین، هزاره سوم ق.م. (Amiet & Abrams, 1977: 581).  
 (۶-۹): ایزدبانو - مار همراه با مارها به عنوان نمادی از باروری، از کرت، ۱۶۰۰ ق.م. (Higgins, 1967, fig.23).



۱-۱۰



۲-۱۰



۳-۱۰

#### تصاویر گروه ۱۰

- (۱-۱۰): نقش درخت زندگی، نمادی از ایزدبانو و نماد آسمانی بالدار در بالای آن و دو نگاهبان مرد، هیتی‌ها، هزاره دوم ق.م. (Golan, 2003: fig. 462).

(۲-۱۰): ایزدبانو - پرنده (ایم دوگاد)<sup>۶۸</sup>، به عنوان سمبل ایر و باران و دو شیر محافظ و همراه، بین‌النهرین، ۳۰۰۰ ق.م. (Ibid, 453).

(۳-۱۰): ایزدبانو - پرنده و سمبل مار، بین‌النهرین، دوره پیش از تاریخ (Ibid).

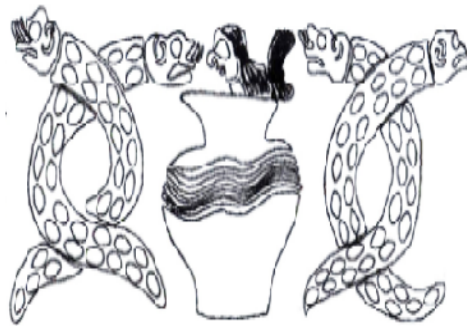


تصویر (۱۱): چالش پلنگ و مار (پیتمن، ۱۳۸۴: ۴۵)

تصویر (۱۲): نقش مار زنجیل (فرهادی، ۱۳۷۹: ۲۵)



۱-۱۳



۲-۱۳



۳-۱۳



۴-۱۳

### تصاویر گروه ۱۳

(۱-۱۳): قسمتی از نقش ظرف کلریتی، از خفاجه<sup>۶۹</sup>، در ناحیه دیاله<sup>۷۰</sup> بین النهرین با نقش مایه انسان (ایزدبانو)، در چالش با مار و گربه‌سان، این ظرف تعلق به جنوب شرق ایران دارد (Aruz & Wallenfels, 2003: 331).

(۲-۱۳): نقش ایزدبانویی در کوزه‌ای با نقش موجی آب و مارهای به‌هم‌تنیده در دوسویش (مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۵۴).

(۳-۱۳): نقش ایزدبانویی قدرتمند با پای شیر، در چالش با مارها (همان، ۱۵).

(۴-۱۳): نقش ایزدبانویی با ترکیبی از انسان، گاو و پرنده، در چالش با مارها (پیران و حصاری، ۱۳۸۹، ۳۴).

<sup>69</sup>. Khafajah

<sup>70</sup>. Diyala



## منابع

- آمیه، پی‌یر (۱۳۸۹). *شوش شش هزار ساله*، ترجمه علی موسوی، تهران: نشر فرزانه##
- الیاده، میرچا (۱۳۷۶). *رساله در تاریخ ادیان*، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش##
- الیاده، میرچا (۱۳۸۹). *دین پژوهی*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی##
- بایرلین، ج.ف. (۱۳۸۶). *اسطوره‌های موازی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز##
- پیتمن، هالی (۱۳۸۴). «مهر جواهرساز»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، شماره پیاپی ۳۷ و ۳۸، صص ۴۴-۶۱##
- پیران، صدیقه؛ حصاری، مرتضی (۱۳۸۴). *کاتالوگ نمایشگاه فرهنگ حاشیه هلیل رود*، تهران: موزه ملی ایران##
- رفیع‌فر، جلال‌الدین (۱۳۸۶). «فناوری ساخت اشیاء در جیرفت»، *آئینه خیال*، تهران: فرهنگستان هنر، شماره ۲، صص ۴۶-۲۷##
- ریگ ودا (۱۳۶۷). ترجمه و تحقیق سید محمدرضا جلالی نائینی، تهران: نشر نقره##
- رضایور، فاطمه (۱۳۹۱). مصاحبه در سازمان میراث فرهنگی کرمان##
- فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۲). *شاخه زرین پژوهشی در جادو و دین*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: انتشارات آگاه##
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۹). «مارزنجبیل، نشانه‌شناسی و ردیابی فرهنگی، نگاهی مردم‌شناختی در گلیمینه‌های کورکی»، کتاب ماه هنر، مرداد و شهریور ۱۳۷۹، صص ۲۲-۲۸##
- کاسیرر، ارنست (۱۳۹۰). *فلسفه صورت‌های سمبلیک*، ترجمه یدالله موقن، تهران: هرمس##
- کریمر، ساموئل (۱۳۸۵). *الواح سومری*، ترجمه داوود رسایی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی##
- کوپر، جی، سی (۱۳۸۶). *فرهنگ مصور نمادهای سستی*، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: نشر فرشاد##
- گدار، آندره (۱۳۵۸). *هنر ایران*، ترجمه بهروز حبیبی، تهران: دانشگاه ملی ایران##
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۲). *جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی##
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۷). «پروژه باستان‌شناختی حوزه هلیل: کشفی افسانه‌ای»، *مجموعه مقالات نخستین همایش جیرفت. تمدن حوزه هلیل: جیرفت*، تهران، پیشین پژوه، صص ۲۹-۵۲##
- مجیدزاده، یوسف و دیگران (۱۳۸۹). «جایگاه سنگ نرم در محوطه‌های عصر مفرغ ایران»، *گنجینه*، کتاب دوم، فرهنگستان هنر، صص ۶۰-۶۹##
- مختاریان، بهار (۱۳۹۰ الف). «اهمیت آیکنولوگرافی در پژوهش‌های اسطوره‌شناخت». دسترسی در ۱۳۹۱/۲/۲۰ در <http://anthropology.ir/node/1221>##
- مختاریان، بهار (۱۳۹۰ ب). «اهمیت آیکنولوگرافی و آیکنولوژی در دین‌پژوهی: آیکنولوژی یونس و ماهی»، *نقدنامه هنر*، خانه هنرمندان ایران، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۲۳##
- میرشکرایبی، محمد (۱۳۸۷). «مار نشانه‌ای کهن در فرهنگ امروز، حوزه جنوب شرقی ایران»، *مجموعه مقالات نخستین همایش جیرفت. تمدن حوزه هلیل: جیرفت*، تهران، پیشین پژوه، صص ۳۹۹-۴۰۵##
- ناس، جان بابر (۱۹۸۰). *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران، ۱۳۸۱ علمی فرهنگی##
- Abrams, H. N. (1992). *Ancient near eastern Treasurer in the Louvre*. New York. Metropolitan Museum##
- Amiet, P. ; Abrams, N. (1977). *Art of the Ancient near east*. INC, Pulishers. New York##
- Altet, X. B. (2002). *Introduction*. [www.pur-Editions.fr](http://www.pur-Editions.fr)##
- Aruz, J.; Wallenfels, R. (2003). *Art of the first cities, The third millennium B.C. from the Mediterranean to the Indus*. The metropolitan museum of art, New York, Yale University press, New Haven and London##

- Baring, A.; Cashford, J. (1993). *The Myth of the Goddess: Evolution of an Image*, London: Penguin##  
 Bhagavata Purana
- Coomaraswamy, A. K. (2003). *History of Indian and Indonesian art*. Kessinger publishing##  
 Dobois, A. (1899). *Hindu manners*. ed.II. Crooke. *Religion and Folklore*. II. 133vogel, Indian serpent-  
 Lore.19##
- Eliade, M. (1987). *The encyclopedia of religion*. vol.4##
- Forest, J. D. (2003). "La Mesopotamie". *Dossiers d'Archeologie*. French Magazine##
- Girshman, R. (1963). *L'univers Des forms collection dirigee*. perse prolo##
- Gimbutas, M. (1982). *The goddesses and gods of old Europe myths and cult images*. Thames &  
 Hudson##
- Gimbutas, M. (1989). *The language of the goddess*. Harper&Row, New York##
- Gimbutas, M. (1991). *The civilization of the goddess*. hiper Collins, New York##
- Godard, Andre (1962). *L'Art de L'Iran*. Paris##
- Golan, Ariel (2003). *Prehistoric religion-Mythology- Symbolism*, Jerusalem##
- Herzfeld, Ernest (1941), *Iran in the ancient east*, New York##
- Higgins, R (1967). *Minoan and my cenean art*. London. Thames and Hudson##
- Hodder, Lan (2006). *The leopard's Tale, Revealing the mysteries of Turkey's ancient town*, Thames &  
 Hudson, London##
- Lash, W. F (1996). *Iconography and Iconology in The dictionary of art*. New York, Macmillan##
- Lurker, M (1983) *Adler und Schlange Tiersymbolik im Glauben und Weltbild der Völker*, Tübingen##
- Mahabharata
- Monaghan, Patricia (2010). *Encyclopedia of goddess and heroines*, V I&II.  
 The United States of America. Green Wood Press##
- Mason, V. M&Sarianid, V.I (1972). *Central Asia Turkmenia before the achaemendis*.Thames and  
 hudson##
- Panofsky, E (1980). *Studien zur Ikonologie*, DuMont Buchverlag, koln##
- Parrot, Andre (1960).*Sumer*, Gallimard##
- Parrot, Andre (1961). *Sumer-the dawn of art*. New York. Golden press##
- Pope, Arthur Upham (1969). *A Survey of Persian Art*. Vol.1&2.Tehran##
- Porada, Edith (1965). *The Art of ancient Iran*. Islamic Culture##
- Prichard, James.B (1975).*The near East*.Vol.II, new anthology of texts and pictures.  
 London##
- Ranke, Hermann (1951). *Master pieces of Egyptian art*. London##
- Sanders, N.K (1968), *Prehistoric art in Europe*. Yale university press. Penguin books##
- Shashi, prabha.A (1976). *History and archeology of India's....* Delhi##

**Волчок Б.Я. Протоиндийские божества. — В кн.: Сообщения  
 об исследовании протоиндийских текстов, ч.2. М. 1972.**